پژوهشنامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
سال اول، شماره‌ی چهارم، تابستان ۱۳۸۹، صص ۳۵ـ۵۸

آموزش و پژوهش میان رشته‌ای در جغرافیای تاریخی

حسن باستانی‌راد*

چکیده

جغرافیای تاریخی، از مهم‌ترین حوزه‌های علمی در بررسی و تحلیل ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است. با توجه به نیازهای کنونی در زمینه‌ی تاریخ پژوهشی، ارائه‌ی طرح‌ها و راهکارهای نوین از طریق دیدگاه‌های میان‌رشته‌ای، در عرصه‌ی پژوهش و آموزش جغرافیای تاریخی ضروری است. برخی از مهم‌ترین آگاهی‌های تاریخی، برگرفته از منابع دانش جغرافیاست، با این حال، در دهه‌های اخیر، تلاش بایسته‌ای برای بهره‌گیری از این دانش صورت نگرفته است. از دیگر سو، پایان‌نامه‌ها و مقاله‌های بسیاری به این موضوع اختصاص می‌یابد، بی‌آنکه بر پایه‌ی دانش‌های میان‌رشته‌ای در این حوزه و چارچوب‌های نظری آن باشد. از این‌رو، بایسته است به این موضوع علمی، با دیدگاهی میان‌رشته‌ای توجه شود تا راهکاری علمی و عملی برای بهره‌گیری بیشتر از جغرافیای تاریخی در نظام آموزشی و پژوهشی به دست آید. برخی از این‌گونه موضوعات، عبارتند از: جغرافیای اقتصادی، جغرافیای فرهنگی، جغرافیای اجتماعی، جغرافیای سیاسی، جغرافیا و مردم‌شناسی تاریخی، زبان‌شناسی تاریخی، مکان‌پژوهی و شهرپژوهی جغرافیایی و جی‌آی‌اس تاریخی.

کلیدواژه‌ها: جغرافیای تاریخی، آموزش و پژوهش، مردم‌شناسی تاریخی، زبان‌شناسی تاریخی، جی‌آی‌اس تاریخی.

طرح مسئله

در بررسی رویدادهای تاریخی، توجه به نقش سه محور زمان، انسان و مکان، در گردش تحولات و واقعیات تاریخی مهم می‌نماید. در صورتی که منظور از زمان، همان سیر تاریخ، در هر دو معنای زمان‌گذاری و گذشته و نوشته‌ها و نانوشته‌های سرگذشت احوال انسان باشد، مشخص

* استادیار گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی hbastanirad@gmail.com
تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۵/۳۰، تاریخ تأیید: ۱۳۸۹/۸/۱۶

می‌شود که انسان به مثابه‌ی «موضوع واحد»[۱] در میانه‌ی تاریخ و جغرافیا، تحولات و رویدادهای پیش روی خویش را در سیر زمان و گاه با آغاز و پایانی که مورخان برای میراثداری تعریف کرده‌اند، رقم زده است. پرسش نخست این است که آیا می‌توان رویداد یا تحولی را در تاریخ انسان جستوجو کرد که حادث شدن آن، با مکانی در پیوند نباشد؟ دو دیگر اینکه نقش مکان یا به تعبیری نقش طبیعت و اقلیم و بستر جغرافیایی، در رویدادهای تاریخی چیست؟ سه دیگر آنکه جغرافیا به منزله‌ی علم بررسی مکان و رابطه‌ی آن با انسان، چه پیوندی با تاریخ دارد؟ این مقاله، در پی پاسخگویی به اینگونه پرسش‌ها نیست؛ چرا که جای آنها در تتبعات میان‌رشته‌ای تاریخ و جغرافیا و فلسفه‌ی تاریخ و فلسفه‌ی جغرافیا و در نگاهی جامع‌تر، در دستاوردهای پژوهشی جغرافیای تاریخی است. نگارنده، بر آن است که در این مقاله، با بیان اهمیت جغرافیا در آموزش و پژوهش تاریخ، به نقش جغرافیای تاریخی در بررسی تاریخ، جایگاه این دانش در ایران، رشد و توسعه‌ی آن در مؤسسات آموزشی و پژوهشی دیگر کشورها و زیرشاخه‌های علمی آن، آسیب‌های کنونیِ متأثر از کم‌توجهی به مبانی این دانش، و ارائه‌ی راهکارهایی برای توجه علمی به آن بپردازد.

تنوع اقلیمی، شرایط گوناگونی برای زندگی جوامع و اقوام سرزمین ایران فراهم کرده که بر اثر آن، شیوه‌های گوناگون زندگی اجتماعی، به‌ویژه در سه دسته‌ی اصلی کوچ‌روی، ده‌نشینی و شهرنشینی پدید آمده است. از آنجا که در این خاک «هفت اقلیم» می‌توان در یک زمان، چند فصل سال را تجربه کرد، اقوام، با خاستگاه‌ها و انگیزه‌ها و اهداف بیش و کم متفاوت، به این سرزمین وارد شده و بر تحولات آن اثر نهاده‌اند. این مسئله همواره سبب شده است که ایران، بستر رویدادهای گوناگونی باشد؛ بنابراین نمی‌توان نقش عوامل جغرافیایی را در این زمینه نادیده گرفت. این همه، نشان می‌دهد که ایرانیان بر پایه‌ی دلایل گوناگون، به جغرافیا پرداخته‌اند و از پیشگامان طرح‌ریزی مبانی و تأمل در دانش‌های مرتبط با جغرافیا به شمار می‌آمده‌اند. بدین‌سان، همواره تفکر در جغرافیا، مورد نیاز واقع شده و اندیشمندان ایرانی، همپای دیگر

---

[۱]. حسن یگانه ۱۳۸۲. «معرفی کتاب جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی»، *کتاب ماه و جغرافیا*، سال هفتم، شماره‌ی ۲، آذرماه، ص ۵۸.

جوامع، به تألیف کتابها و رساله‌های فراوان در حوزه‌ی جغرافیایی ایران و اسلام همت گماشته‌اند، و متناسب با شیوه‌های زندگی اجتماعی، به تبیین ساختارهای اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در این سرزمین و متناسب با جغرافیای آن پرداخته‌اند.

از یک نگاه، در بررسی راهکارهای پژوهشی و آموزشی جغرافیای تاریخی ایران، این پرسش مطرح می‌شود که جغرافیا، از منظر طبیعی و حتی انسانی، چه تأثیری بر جامعه، فرهنگ، اقتصاد و سیاست در ایران داشته است؟ از نگاهی دیگر، این پرسش شایان بررسی است که جغرافیای تاریخی ایران، از چه عواملی اثر پذیرفته و چگونه قابل بررسی و بازشناسی است؟ امروزه، به ویژه در آموزش و پژوهش در عرصه‌ی جغرافیای تاریخی، از کدام ابزارهای جغرافیاپژوهی بهره گرفته می‌شود؟ با این همه، بایسته است که در پاسخ به چنین پرسش‌هایی، راهکاری مناسب برای تقسیم‌بندی علمی از نقش جغرافیا در همه‌ی شئون تحولات و رویدادهای این سرزمین ارائه گردد. از این‌رو، این نیاز، همواره احساس شده و دغدغه‌ی تاریخ‌پژوهان بوده است که شاخه‌های برآمده از درخت تناور و پُر شاخ و برگ جغرافیای تاریخی ایران کدام است و از چه رویکرد و دیدگاه یا از چه مسیر تاریخ‌پژوهانه‌ای، می‌توان آنها را برای بررسی زمینه‌های پژوهشی و آموزشی این حوزه‌ی علمی، معرفی و ارائه کرد؟

پرسش‌های بی‌شماری از این دست، پیش روی تاریخ‌پژوهان است، بی‌آنکه جایی در سرفصل‌های درسی مقاطع گوناگون رشته‌ی تاریخ و عرصه‌های تاریخ‌پژوهی جغرافیایی داشته باشد. از دیگر سو، جغرافیای تاریخی می‌تواند زمینه‌ساز پیوند میان‌رشته‌ای تاریخ با علومی چون جغرافیا، علوم اجتماعی و از آن میان، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی، اقتصاد، باستان‌شناسی و شاخه‌های گوناگون این دانشها باشد که در نتیجه، موجب توسعه‌ی بیش از پیش آموزش و پژوهش تاریخ در عرصه‌های گوناگون و گشودن زمینه‌ها و شیوه‌های نوین آن می‌شود. جالب اینکه تاکنون تعریف درخور توجه همه جانبه‌ای که چارچوب‌ها و ساختار تمام‌نمای آن را به دست دهد، برای این دانش طرح نشده است.[2] جغرافیای تاریخی، پیوندگاه دو سویه‌ی جغرافیا و تاریخ‌نگاری است. برخی، با توجه به این مسئله، ضرورت بررسی

---

[2]. برای آگاهی بیشتر، ر.ک: حسن بیک محمدی ۱۳۷۷. *مقدمه‌ای بر جغرافیای تاریخی ایران*، اصفهان: دانشگاه اصفهان، صص ۲ ــ ۱۵؛ حسین قرچانلو ۱۳۸۰. *جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی* (۱). تهران: سمت. صص ٦ــ۷.

همه‌جانبه‌ی جغرافیای تاریخی را در پژوهش‌های تاریخی با توجه با دانش‌های نوین طرح کرده‌اند.[3] اما این موضوع، طی سده های پیش، همواره مورد نظر دانشمندان ایرانی بوده است و جای آن دارد که برای درک بهتر رویدادهای تاریخی، از وجوه گوناگون این رشته‌ی علمی، بهره‌ی بیشتری به‌دست آید. از آنجا که از طریق این حوزه‌ی علمی، می‌توان دانش جغرافیا را در بررسی های تاریخی به کار گرفت،[4] بایسته است که در آغاز، اشاره‌ای به پیشینه‌ی تاریخ‌نگاری جغرافیایی و دانش جغرافیا در ایران و اسلام داشت و با بررسی آن، به نیازهای پژوهشی و آموزشی امروز توجه کرد.

درآمدی بر دانش جغرافیای تاریخی در ایران و اسلام

بررسی پیشینه‌ی جغرافیانگاری تاریخی و تاریخ‌نگاری و تاریخ تدوین انواع متون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در ایران، گواه پیوند وجوه گوناگون آگاهی‌های نوشته و حتی نانوشته، با جغرافیا- البته با رویکرد جغرافیای تاریخی- است؛ چنان‌که در این زمینه نباید به منابع جغرافیایی بسنده کرد، بلکه دیگر متون، آگاهی های جغرافیایی را در پیوند با زندگی انسان در اختیار می‌گذارند. برای نمونه، در بررسی متونی که با آموزه های تاریخ فرهنگی[5] (از آن میان دینی و ادبی، قوم‌شناسی مردم‌شناسی فرهنگی[6] و...)، سیاسی[7] (مانند اداری، حکومتی و...)، اجتماعی[8] (مانند مردم‌شناسی و دسته‌بندی اجتماعی و...)، و حتی اقتصادی[9] (مانند معیشتی و وظایف و آیین‌های کاروزری) توأم هستند، می‌توان

---

۳. Zdenek Kucera ۲۰۰۸. “Historical Geography Between Geography and Historiography”, in, *Klaudyan :Internet Journal of Historical Geography and Environmental History*. Volume ۵, no ۱, p. ۵-۱۳. http//:www.klaudyan.cz

۴. پیوند جغرافیای تاریخی با جغرافیا، به ویژه جغرافیای کاربردی، چنان ناگسستنی است که جغرافی‌دانان کنونی، جغرافیای تاریخی را جزو رشته‌های جغرافیای کاربردی، به مانند دیگر رشته‌های جغرافیایی (اقتصادی، کشاورزی، شهری، روستایی و...) دانسته‌اند. حسین شکوئی ۱۳۶٤. *جغرافیای کاربردی و مکتب‌های جغرافیایی*، مشهد: آستان قدس رضوی، ص٤۵. شایان توجه است که برخی از دانشمندان جغرافیا، از این منظر، جغرافیای کاربردی را «به کار گرفتن علم جغرافیا در جهت بهره‌برداری از تاریخ...» دانسته‌اند: همان، ص٤۷.

۵.Cultural History

۶. Cultural Anthropology

۷. Political History.

۸. Society History.

۹. Economical History.

پیوندشان را با بنیان‌ها، شرایط و تأثیرات جغرافیایی دریافت. چنین نگاهی به تاریخ، توأمان در متون جغرافیایی و غیر جغرافیایی، در دوره‌ی باستان و دوران اسلامی تاریخ ایران، مورد توجه بوده است؛ چنان‌که می‌توان به متن‌های ایرانی میانه، مانند *بُندَهش* (آفرینش آغازین) و *مینوی خرد* (روح عقل) که به انگیزه و هدف دینی و آموزه های زردشتی نوشته شده‌اند، اشاره کرد. در این‌گونه آثار، برای به دست دادن آموزه های دینی، به گونه‌ای اثرگذار از آگاهی‌های جغرافیای تاریخی استفاده شده است. بخش‌هایی از *بُندَهش*، به چگونگی زمین ها، دریا ها، دریاچه ها، رود ها، جانوران، گیاهان، آتش، باد، ابر، باران، شهرها و دیگر مکان‌های جغرافیایی به مثابه‌ی آفریده های جغرافیایی اختصاص یافته، و در کنار آن، آموزه های دینی مانند آفرینش، خوی های اهورایی و اهریمنی، دوزخ، روان درگذشتگان، رستاخیز و... بیان شده است. از دیگر سو، مردمان، زنان و مردان، خوی‌های انسانی، ویژگی‌های زندگی، تبار و تخمه‌ی اقوام، تن و روان، به عنوان برداشت‌های اجتماعی، بخش‌هایی را از این اثر در بر گرفته است. همین دیدگاه را می‌توان در *مینوی خرد* نیز جستوجو کرد که درباره‌ی زمین‌های شاد و ناشاد، اقلیم و طبیعت، ستارگان، کیهان، خورشید و ماه، کوه ها، دریا ها، شهرها و دیگر عناصر جغرافیایی ارائه می‌کند، البته در پیوند با آموزه های دینی، اندرزها، پرستش، آفرینش و... و نیز مردم‌شناسی و قوم‌شناسی، خصلت‌ها، خوی‌ها و حتی هوش و حافظه، طبقات و مسائل کاری، مزد و کارورزی اقتصادی آنها.[10]

چنین رویکردی، نشان می‌دهد که در ایران، بهره‌مندی از آگاهی های جغرافیایی، برای بیان اهداف و آموزه های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بایسته بوده است. از دیگر سو، بخش‌بندی قلمرو زمینی، در معنای جغرافیای سیاسی، آن‌گونه که هخامنشیان در دسته‌بندی ساتراپ‌ها و ساسانیان در بخش‌بندی

---

[10]. برای آگاهی بیشتر از مندرجات این دو اثر، ر.ک: فَرنَبغ‌دادگی ۱۳۸۵. *بُندَهش*، به کوشش مهرداد بهار، تهران: توس؛ *مینوی خرد*، ۱۳۸۵. به کوشش احمد تفضلی، تهران: توس.

گُست‌ها و شهرها (مانند *شهرستان‌های ایرانشهر*)[11] و مسلمانان در استان‌بندی قلمرو اسلامی[12] داشته‌اند، با اهداف و پیوندهای گوناگون تاریخی و جغرافیایی انجام می‌یافت و در ساختار و نظام مملکتی کاربرد داشت؛ چنان‌که در دوره‌ی خسرو انوشیروان، برای مساحی زمین‌ها، به این‌گونه آگاهی‌ها کاملاً نیاز افتاد.

بهره‌مندی از جغرافیا در وجوه گوناگون زندگی ایرانیان، نه تنها در دوره‌ی باستان، که در دوره‌ی اسلامی بر دوام ماند، کامل شد و بر پایه‌ی دستاوردهای علمی، منشأ آموزش و پژوهش گسترده در حوزه‌ی این دانش شد. میراث آن نیز ارائه‌ی صدها نظریه‌ی جغرافیایی در کتاب‌ها و رسائل بی‌شماری بود که بیان آن، در اینجا نه ضرورت دارد، نه می‌گنجد.

در دوره‌ی اسلامی نیز به موجب تعالیم *قرآن کریم، به* دانش جغرافیا توجه شد. در این کتاب آسمانی، طبیعت، جایگاه ویژه‌ای دارد و سخن از هفت آسمان، کهکشان‌ها و افلاک، ستارگان، فصل‌ها، کوه‌ها، دریاها، برخی شهرها و مواضع جغرافیایی، اقوام (اعراب، یهودیان، نصارا، صابئه، مجوس [پارسیان]، عاد، ثمود و...)، کشورها، جانوران، مصائب طبیعی (زمین‌لرزه، طوفان) و... توجه شده است.[13] بدین‌سان، مسلمانان نیز جغرافیا را در صدر دانش‌های خود قرار دادند.

مسلمانان، از جغرافیا برای حل مسائل و رفع نیازهای گوناگون بهره بردند که از آن میان است: تعیین قبله در شهرهای گوناگون، گزاردن حج و تعیین اوقات و مناسبت‌ها ــ هرچند با بهره‌مندی از اخترشناسی، شناخت اقلیم‌ها و آسیب‌ها و ارائه‌ی راهکارها در مسائل جوّی و سماوی، میزان درآمدها، راهنمایی عمّال مالی و مأموران خراج، تقسیم‌بندی مناطق کشاورزی و صنعتی و بازرگانی، تمرکز سازمان اداری و تسلط حکومت بر قلمرو وسیع خلافت اسلامی، وجوه

---

[11]. این متن در دوره‌ی ساسانیان تدوین شده، اما در دوره‌ی اسلامی بازنویسی و ترویج یافته است. *شهرستان‌های ایرانشهر* ۱۳۸۸. با آوانویسی و ترجمه‌ی متن از تورج دریایی، ترجمه‌ی فارسی شهرام جلیلیان، تهران: توس، ص۲۱.

[12]. بیشتر منابع جغرافیانگاری اسلامی، اساساً بر این شیوه تدوین شده است، از این‌رو به جزییات طبیعی و انسانی هر قلمرو، توجه شده است.

[13]. برای نمونه، ر.ک: بقره، ۲/ ۱۷- ۲۹؛ ۱۱۱-۱۲۰؛ سوره های هود، انسان، نمل، فیل، زلزله، و... که هرکدام بخشی از این موضوعات را در بر می‌گیرند.

پیش‌گفته‌ی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، شناخت راه‌ها (مسالک)، شهرها و آبادی‌ها (ممالک و بَلَدها) و... .

جغرافیای نجومی،[۱۴] نزد ایرانیان، ساکنان بین‌النهرین، اعراب عصر جاهلی، یونانیان و صحراگردان آسیایی اهمیت بسزایی داشته است که از ورای آن، می‌توان وجوه فرهنگی و اجتماعی زندگی آنان را بازشناخت. این دانش، در پیوند با شناخت بروج، صور فلکی، اقمار و ستارگان و... در دانش جغرافیای عمومی مسلمانان کاربرد فراوان یافت که گاه با نام‌های «علم الاطوال و الاعراض» و «تقویم البلدان» مطرح می‌شد و در پیوند با مسائل دینی، هیئت و جغرافیا قرار گرفت.[۱۵] دانش مسلمانان در جغرافیای نجومی، به ویژه تا سده‌ی چهارم هجری قمری/ دهم میلادی، پیشرفت چشمگیری حاصل کرد؛ چنان‌که آثار مربوط به این دانش، در اسپانیا (أندلس) در سده‌ی پنجم هجری/ یازدهم میلادی، ترجمه شد و رواج یافت. نام‌های الگوریسمی (الخوارزمی)، آلفراگانوس (فَرغانی)، البَاتگنیوس (بَتّانی) و جز اینها، نشان می‌دهد که نام دانشمندان مسلمان، از عرصه‌های علمی جغرافیای نجومی و ریاضی جدا نیست.[۱۶]

مسلمانان توانستند افزون بر کیهان‌نگاری،[۱۷] در اطلس‌نگاری برای کمک به دانسته‌هایشان در «علم المسالک و الممالک» و در ترسیم نقشه‌ها با عنوان «المصور الجغرافی» در تهیه‌ی صُوَر جغرافیایی و با بهره‌گیری از اندوخته‌های علمی ایرانیان و یونانیان باستان، پیشرفت‌های بسیاری حاصل کنند تا جایی که پژوهشگران، سده‌ی چهارم قمری را به حقیقت، عصر طلایی اطلس‌نگاری اسلام نام نهاده‌اند.[۱۸] از دیگر سو، در تکامل دانش خود، از وصف زمین و انسان، به عجایب و غرایب نیز با عنوان «علم عجایب و غرایب» توجه کردند و در نتیجه، کتاب‌ها و رساله‌های بسیاری همچون *آثارالبلاد* و *عجایب‌المخلوقات* پدید آمد. لغتشناسی نیز در بیان نام و نشان اعلام جغرافیایی جایگاه مهمی یافت، و به گونه‌ای «جغرافیای لغوی» در

---

[۱۴]. Astronomical Geography

[۱۵]. ایگناتی یولیانوویچ کراچکوفسکی ۱۳۷۹. *تاریخ‌نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلامی*، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی، ص ٦.

[۱۶]. همان، ص۱۲.

[۱۷]. Cosmography

[۱۸]. *تاریخ‌نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلامی*، صص ۸-۱۰. عنوان این دانش باعث شد تا کتاب‌های زیادی در حوزه‌ی فرهنگ و تمدن اسلام با نام و نشان *مسالک و ممالک* و *صورة الأرض* تألیف شود.

پیوند با جغرافیا و پراکندگی قلمروهای زبانی و گویشی، در متون انعکاس یافت.[19]

در کنار این موارد، ده‌ها زمینه‌ی جغرافیاپژوهی در ایران پدید آمد. استفاده از این دستاوردها در زمینه‌ی آموزش و تتبع در تاریخ، به پیوند میان تاریخ و جغرافیا انجامید. این پیوند، چنان استوار شد که دانش جغرافیای تاریخی، بی‌آنکه چنین عنوانی را از میانه‌ی تاریخ و جغرافیا به خود گیرد، جزو مهم‌ترین دانش‌های عرصه‌ی علم در ایران و اسلام شد.

آنچه در این بخش ارائه شد، تنها نمونه‌هایی در بیان اهمیت این موضوع در گذشته بود. نگاهی به دستاوردهای گذشته، این موضوع مهم را مطرح می‌سازد که در بررسی‌های تاریخ‌پژوهی کنونی، افزون بر وجوه گوناگون جغرافیانگاری تاریخی، می‌توان از منابع جغرافیانوشته، به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع غیر تاریخ‌نگاری برای شناخت فرهنگ‌ها، اقوام، سرزمین‌ها، باورها، دانش و... در هر دوره‌ای استفاده کرد. بدین‌سان، ضروری است که با نگاه به گذشته، به مسائل پیش‌آمده در پیوند دیرینه‌ی تاریخ و جغرافیا توجه شود.

سنتگرایی در پژوهش و آموزش جغرافیای تاریخی

امروزه شمار قابل توجهی از مقالات علمی- پژوهشی، پایان‌نامه‌های تحصیلی و کتاب‌ها، در زمینه‌ی جغرافیای تاریخی تألیف و تدوین می‌شود، اما بی‌توجهی به شیوه‌های نوین پژوهشی و آموزشی در این حوزه‌ی علمی و نیز پایبندی به برخی شیوه‌های سنتی جغرافیاپژوهی تاریخی و تاریخ‌پژوهی جغرافیایی، سبب شده است که در برنامه‌ریزی‌های درسی و نیز ابزار آزمودن و محک زدن پژوهش‌ها، همچنان راه گذشته ادامه یابد. شاید بتوان اذعان کرد که جغرافیای تاریخی، جزو معدود حوزه‌های تاریخ‌پژوهی و تاریخ‌آموزی است که همچنان بر بنیاد سنت‌های گذشته‌ی پژوهشی و آموزشی قرار دارد.

در گروه‌های تاریخ دانشگاه‌های کشور، دو درس «کلیات جغرافیا، با تأکید بر جغرافیای ایران» و «جغرافیای تاریخی ایران/

---

[19]. برای آگاهی بیشتر ر.ک: همان، صص۹۶- ۱۱۹.

سرزمین‌های اسلامی»،[20] از دو منظر تدریس می‌شود که به نحوه‌ی ارائه‌ی این درس ها از سوی دو دسته از استادان باز می‌گردد: استادان گروه های جغرافیا، استادان گروه های تاریخ. این دو گروهِ تدریس، چند مشکل بنیادین را در فهم جغرافیای تاریخی، متوجه آموزش و پژوهش تاریخ می‌کنند. در صورتی که دسته‌ی نخست، این درس را ارائه کنند با تاریخ و کاربرد جغرافیا در پژوهش های تاریخی آشنا نیستند؛ اگر هم استادان تاریخ این درس را ارائه کنند، به جغرافیا و کاربرد آن در پژوهش‌های تاریخی آگاهی ندارند. دیگر آنکه اگر هر کدام از استادان تاریخ یا جغرافیا، برای دانشجویان رشته‌ی تاریخ، چنین درس‌هایی را ارائه دهند، نمی‌توانند مبانی جغرافیای تاریخی را اساس تدریس خود قرار دهند؛ زیرا هنوز هیچ‌کدام از این مبانی، طرح و تعریف نشده است. از دیگر سو، در سرفصل درس‌های این حوزه، به هیچ روی پیوند میان جغرافیا و جغرافیای تاریخی با دیگر حوزه های تاریخ‌پژوهی، مطرح نشده است.

سطح عامیانه‌ی دانش به کار گرفته شده‌ی جغرافیا در تاریخ را می‌توان جسورانه چنین وصف کرد: در آموزش و پژوهش تاریخ، جغرافیا را به توصیف عناصر طبیعی و جغرافیای تاریخی را به بازشرحِ نوشته های جغرافیادانان گذشته درباره‌ی شهرها و ولایات منحصر کرده‌ایم. آیا به راستی جغرافیا و جغرافیای تاریخی، کاربرد دیگری در عرصه های تاریخ‌پژوهی و تاریخ‌آموزی ندارد؟ در پاسخ باید گفت: اگر کاربرد ندارد، این چند واحد را هم باید حذف کرد و مقاله، پایان‌نامه و کتابی در موضوع «جغرافیای تاریخی» تألیف نکرد؛ و اگرهم کاربرد دارد، چرا چنین منفعل است؟ و چه باید کرد تا از این وضع به درآید؟

چنان‌که در ادامه آمده است، در سرفصل های درسی رشته‌ی تاریخ، از حوزه های میان‌رشته‌ای در تاریخ و جغرافیا سخنی به میان

---

[20]. در گروه های آموزشی تاریخ، دو درس اختیاری دو واحدی در مقطع کارشناسی (جغرافیای تاریخی سرزمین‌های اسلامی و جغرافیای انسانی) و یک درس اصلی دو واحدی (کلیات جغرافیای ایران) و نیز در مقطع دکتری (جغرافیای تاریخی ایران)، ارائه می شود و دانشجویان دوره‌ی کارشناسی ارشد از آن بی بهره مانده‌اند. این امر، بارزترین نشانه‌ی بی‌توجهی به این حوزه‌ی میان‌رشته‌ای است.

نیامده و اگر آمده، چنین درس‌هایی در گمنامی و ناپیدایی به‌سر می‌برند. گویی هنوز دانش‌های میان‌رشته‌ای، در رشته‌ی تاریخ کاملاً بیگانه و نامفهوم تلقی می‌شود. گروه‌های آموزشی و پژوهشی، این دانش‌ها را بیرون از حوزه‌ی کاری خود می‌دانند و حتی به آنها احساس بی‌نیازی دارند. به راستی دانشجویان رشته‌ی تاریخ، از طریق چه کسانی یا از چه مجرایی باید درباره‌ی این‌گونه دانش‌ها آگاهی به‌دست آورند؟

جغرافیای تاریخی، از مهم‌ترین این‌گونه دانش‌هاست که خود، به ده‌ها زیر شاخه تقسیم می‌شود و دریغا که تاریخ‌پژوهان یا پژوهشگران جغرافیای تاریخی هنوز تعریف دقیق و جامعی از این دانش به دست نداده‌اند؛ در واقع نمی‌توان تعریف همه‌جانبه‌ای از آن ارائه کرد؛ زیرا جغرافیای تاریخی، با دیگر حوزه‌های تاریخی پیوند دارد و از این نظر، گسترده است. درباره‌ی این گستردگی، هنوز تأمل نشده و اینجاست که آسیب‌های وارد شده از این دیدگاه به آموزش و پژوهش در تاریخ، رُخ می‌نمایاند. نگارنده، این دیدگاه را «سنت‌گرایی در جغرافیای تاریخی» می‌نامد که مهم‌ترین رکن آن، ناآگاهی از روش‌ها و شیوه‌های نوین علمی در به‌کارگیری جغرافیای تاریخی است و تا وقتی دیدگاه میان‌رشته‌ای طرح نشود، نمی‌توان برای آن راه حلی یافت.

بررسی پژوهش‌های انجام‌شده به دست دانشجویان مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری رشته‌ی تاریخ، نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از پایان‌نامه‌های تحصیلی، یا عنوان «جغرافیای تاریخی» دارد یا با حوزه‌ی جغرافیای تاریخی در ارتباط مستقیم است.[۲۱] اما در میان درس‌های ارائه شده به دانشجویان کارشناسی ارشد، عنوان درس «جغرافیا» یا «جغرافیای تاریخی» به کار نرفته و هیچ پایان‌نامه‌ای نیست که به حوزه‌های گسترده‌ی میان‌رشته‌ای توجه کرده

[۲۱]. این بررسی، بر اساس پایان‌نامه‌های تحصیلی گروه‌های تاریخ در دانشگاه‌های شهید بهشتی، الزهرا، تهران و اصفهان انجام گرفته است. برای نمونه از ۲۴۱ پایان‌نامه‌ی مرتبط با تاریخ و باستان‌شناسی در دانشگاه تربیت مدرس، ۳۲ پایان‌نامه عنوان جغرافیای تاریخی دارد. ۴۰ پایان‌نامه در عنوان خود نام شهر و محل‌های جغرافیایی دارد و بیش از ۳۵ پایان‌نامه کاملاً در ارتباط با جغرافیای تاریخی است. در دانشگاه شهید بهشتی، از ۸۲ پایان‌نامه‌ی بررسی شده در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری، ۲۳ پایان‌نامه یا نام جغرافیای تاریخی دارد و یا درباره‌ی شهرها و محل‌های جغرافیایی‌است (مهرماه ۱۳۸۹).

باشد. همچنین، اگرچه این درس در دوره‌ی دکتری درسی اصلی است، در پایان‌نامه‌های این دوره نیز عنوانی مهجور است و برخلاف دوره‌ی کارشناسی ارشد، تعداد کمتری از رساله‌ها به این موضوع اختصاص یافته است.

جغرافیای تاریخی و زیرشاخه‌های جغرافیایی آن

در ارائه‌ی مفهوم جغرافیای تاریخی، پیش از هر چیز، پیوند جغرافیا و انسان با عنوان جغرافیای انسانی ضروری می‌نماید. جغرافیای انسانی، از ارتباط انسان با مکان و به تعبیری، پیوند با محیط در حوزه‌های اجتماعی، زندگی و شیوه‌های آن، تأثیر و تأثر جغرافیا و انسان، فعالیت‌های وی در منطبق ساختن خود با محیط و تغییر دادن آن به مقتضای نیازهای خود، بحث می‌کند که به شاخه‌هایی همچون جغرافیای شهری، روستایی، کوچروی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و زیرمجموعه‌های گوناگون برای هرکدام تقسیم می‌شود.[22] از این دیدگاه می‌توان جغرافیای اجتماعی را نیز مطرح کرد که در حوزه‌های جغرافیای جمعیتی، ترکیب قومی، قومنگاری جغرافیایی، جغرافیای شهری، روستایی و ایلی و... مهم‌ترین رکن جغرافیای انسانی را پی می‌نهد.

زیرشاخه‌های جغرافیای انسانی، در سیر تاریخ، از نظر فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، با هم گره خورده که بررسی هرکدام، نیازمند آگاهی درباره‌ی دیگر جنبه‌های آن است. این شاخه‌ها را از نگاهی می‌توان به اجمال چنین دسته‌بندی کرد: جغرافیای سیاسی (حکومتی، اداری، امنیتی، نظامی[23] و...)، اقتصادی (درآمدهای

---

[22]. برای آگاهی از ضرورت برقراری ارتباط علمی و آموزشی میان جغرافیای انسانی و دیگر دانش‌های اجتماعی و همچنین برای ارائه‌ی طرح‌های نوین در حوزه‌ی جغرافیای نوین انسانی و شناخت‌شناسی آن، ر.ک: یدالله فرید ۱۳۷۹. *شناخت‌شناسی و مبانی جغرافیای انسانی*. اهر: دانشگاه آزاد اسلامی.

[23]. در سیر تاریخ‌نوشته‌های جغرافیایی، همواره جغرافیای نظامی مورد توجه بوده است که قاعدتاً متأثر از ویژگی‌ها و سرگذشت سیاسی و نظامی ایران است. این موضوع در چند دهه‌ی گذشته به ویژه از سوی سازمان‌های پژوهشی نظامی در ایران مورد توجه قرار گرفته است و از زمان توجه جدی سلطان احتسابیان در کتاب *جغرافیای نظامی* (۱۳۱۵) و تتبعات علی رزم‌آرا در جغرافیای مفصل *استان‌ها و شهرها و فرهنگ آبادی‌ها*، تا کنون، آثار چندی با دیدگاه تاریخی به این موضوع پرداخته‌اند. برای آگاهی از یک نمونه‌ی مفصل در این باره، ر.ک: سید یحیی صفوی، ۱۳۸۱-۱۳۷۸. *مقدمه‌ای بر جغرافیای نظامی ایران*، ۵ جلد، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

مالی مانند خراج، جزیه و سرانه، تولیدات، شیوه های معیشت، راه های تجاری، بازارها، اصناف و پیشه ها و...)، اجتماعی (تبار، ترکیب قومی، جمعیت، گروه‌بندی‌های اجتماعی و...)، فرهنگی (نهادها و نظام‌های آموزشی، دینی، آئینی، ادبی و زبانی، رسم‌ها و باورها و...).

جغرافیای سیاسی،[۲۴] درباره‌ی زمین از لحاظ حکومتِ انسان بر آن، و از توزیع جوامع بشری در قلمروهای محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی بحث می‌کند. در این میان، ژئوپلیتیک تاریخی،[۲۵] اثرگذاری دوجانبه‌ی مکان و انسان، و از این رهگذر، تأثیر مکان بر تاریخ، فرهنگ و تمدن انسان و همچنین مرزبندی جغرافیایی و سیاسی و تحولات تاریخی جوامع را بررسی می‌کند. برخی برآنند که اصطلاح ژئوهیستوری و جغرافیای تاریخی، به یک حوزه‌ی معناشناسانه و معرفت‌شناختی تعلق دارد.[۲۶] از این رو، جغرافیای حکومتی، جغرافیای مرزها و گستره‌ها، جغرافیای اداری، و موضوعاتی از این دست، می‌تواند پیوند جغرافیای سیاسی و تاریخ را بازشناسی و بررسی کند.

جغرافیای اقتصادی، به آموزش و پرورش درباره‌ی ساختارها و نظام اقتصادی در پراکندگی جغرافیایی جوامع، تقسیم کار، تولیدات، درآمدها، ویژگی های جغرافیایی (طبیعی و انسانی) سرزمین ها در توانمندی ها و آسیب های اقتصادی، شیوه های معیشت، جغرافیای تجاری و مواردی از این دست می‌پردازد.

جغرافیای فرهنگی،[۲۷] به موضوعاتی همچون: گونه گونی فرهنگ ها، اشتراک و اختلاف فرهنگی، جغرافیای مذهبی، جغرافیای زبانی و ادبی، پراکندگی جغرافیایی آداب و رسوم می‌پردازد. در پژوهش‌های

---

[۲۴] .Political Geography /Geopolitics.

[۲۵]. Historical Geopolitics؛ ژئوپلیتیک را رویکرد انسان‌گرایانه از دانش ترسیم و تصویر سیاسی جهان در بینش سیاستمداران دانسته‌اند که از پیوند دو واژه‌ی ژئو (زمین) و پولیتیک (سیاست)، پدید آمده است و از این راه می‌کوشد تا پیوند زمان و مکان را در سیر تاریخ رویدادهای سیاسی انسان بررسی کند. برای آگاهی بیشتر درباره‌ی مبانی علمی این دانش و موضوعات مطرح در آن (از آن میان، سیاست سرزمین و مکان، حکومت، ملت و کشور، ابعاد بین‌المللی دولت‌ها و...) در پیوند با جغرافیای تاریخی، ر.ک: ریچارد مویر۱۳۸۹. *درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی*، ترجمه‌ی دره میرحیدر، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح؛ عزت‌الله عزتی۱۳۷۱. *ژئوپلیتیک*، تهران: سمت.

[۲۶]. علی فراستی ۱۳۷۸. *عوامل و اندیشه‌ها در ژئوپلیتیک*، تهران: سمت، ص ۷۶.

[۲۷] .Cultural Geography.

کنونی، جغرافیای جدید فرهنگی،[28] از مباحث مهمی است که در پیوند با تاریخ و سرگذشت تاریخی اقوام و سرزمین های گوناگون، به پژوهش گذاشته می‌شود.[29]

جغرافیای طبیعی[30] (اقلیم‌شناسی، جانورشناسی، گیاه‌شناسی، ژئومورفولوژی[31] و...) برای بررسی شرایط و ویژگی های زندگی اجتماعی گذشتگان (مانند تغذیه، پوشاک، تولیدات، شناخت خصلت‌ها و ویژگی‌های جسمی و روحی و...)، از اهمیت شایانی برخوردار است. این حوزه‌ی علمی، با جغرافیای انسانی و شاخه های آن و از منظر جغرافیای تاریخی، کاملاً در ارتباط است و در واقع، از اثرپذیری و اثرگذاری انسان و طبیعت آگاهی به دست می‌دهد. معمولاً جغرافی‌دانان، برای به دست دادن آگاهی هایی درباره‌ی جغرافیای انسانی، ناگزیر به جغرافیای طبیعی می‌پرداختند.[32] این موضوع، حتی امروزه، الگویی است برای کسانی که درباره‌ی جغرافیای طبیعی (ژئومورفولوژی) ایران تحقیق می‌کنند.[33]

در عرصه های علمی کنونی، همواره بر نقش انسان در طبیعت و نقش طبیعت در زندگی و جامعه‌ی انسانی تأکید می‌شود و از بحران‌های آتی طبیعی و اقلیمی، دغدغه های بی‌شماری بیان می شود. از این رو، جغرافیای تاریخی می‌تواند در بازشناسی عملکردهای گذشته‌ی انسان در این راستا آگاهی به دست دهد که اندیشمندان عرصه های گوناگون برنامه‌ریزی شهری و روستایی، پژوهندگان گستره های طبیعی و محیط

---

28. برای آگاهی از طرح این مسئله در بررسی جغرافیای نوین تاریخی:
Brian Graham and Catherine Nash ۲۰۰۰. *Modern Historical Geographies*, London: Longman .p .٤.

29. از تلاش‌های مهم در زمینه‌ی جغرافیای فرهنگی و از دیدگاه جغرافیاپژوهان که در طرح‌ریزی این حوزه برای جغرافیای تاریخی می‌تواند مفید باشد، مجموعه‌ی مقالات همایش رویکرد فرهنگی به جغرافیا (مشهد ۱۳۷۹) است. *مجموعه‌ی مقالات همایش بین‌المللی رویکرد فرهنگی به جغرافیا: جغرافیا در بستر گفت وگوی تمدن‌ها* ۱۳۸۱. به کوشش محمدحسین پاپلی یزدی. مشهد: دانشگاه فردوسی.

30. Physical Geography.

31. Geomorphology.

32. برای نمونه می‌توان به مندرجات کتاب‌هایی چون *مسالک و ممالک* اصطخری و *صورةُ الأرض* ابن‌حوقل و تاریخنوشته های محلی درباره‌ی ولایات و وجوه گوناگون زندگی اهالی هر محل، رجوع کرد که همراه با آگاهی‌های جامع درباره‌ی انسان و شرایط زندگی آن، به نقش طبیعت در ساخت شهرها و زندگی و تحولات جامعه‌ی انسانی پرداخته‌اند.

33. برای نمونه ر.ک: محمود علایی طالقانی۱۳۸۰. *ژئومورفولوژی ایران*، تهران: قومس، مقدمه.

زیست، باستان‌شناسان، برنامه‌ریزان اقتصادی و... می‌توانند از دستاوردهای پژوهندگان جغرافیای تاریخی بهره‌مند شوند. اما این مهم، به دست نمی‌آید، مگر آنکه زمینه های آموزش در جغرافیای تاریخی و روش‌های نوین آن، در مؤسسات آموزشی تاریخ و جغرافیا فراهم آید.

نوگرایی در آموزش و پژوهش میان‌رشته‌ای برای جغرافیای تاریخی

انطباق علمی دستاوردهای نوین دو حوزه‌ی تاریخ و جغرافیا، با دانسته ها و شیوه های سنتی این دو رشته در ایران، مقدمه‌ی نوگرایی علمی برای آموزش و پژوهش در جغرافیای تاریخی است. نخست باید اذعان کرد که تا این زمان، آموزش میان‌رشته‌ای در تاریخ، در دانشگاه ها و مؤسسات پژوهشیِ متولی این امر، چندان که باید جدی گرفته نشده است؛ به گونه‌ای که رشته های تخصصی مانند جامعه‌شناسی تاریخی، تاریخ اقتصادی، تاریخ فرهنگی، روانشناسی تاریخی، جغرافیای تاریخی، تاریخ نظام‌ها و ساختارهای دیوانی و... در ایران یا ناشناخته مانده‌اند یا در حد چند واحد درسی در میان بررسی تاریخ سیاسی، جایی برای جولان ندارند. این در حالی است که می‌توان با طرح چنین دانش‌هایی، به بسیاری بن‌بست‌ها و تکرارها در آموزش و پژوهش تاریخ ایران پاسخ داد. شاید این مسئله را همچنان باید به فراموشی سپرد؛ چرا که در ساختار آموزشی تاریخ، هنوز برای ایجاد رشته‌هایی که در پیوند مستقیم با تاریخ ایران است و با وجود اهمیت شایان آنها، و بی‌نیازی به ارائه‌ی رویکرد میان‌رشته‌ای، چاره‌اندیشی نشده است (مانند رشته‌ی علمی سندپژوهی و نسخه‌شناسی تاریخی). در این صورت، شاید چنان‌که تا امروز پنداشته شده است، بحث از میدان دادن به دانش‌های میان‌رشته‌ای و از آن میان جغرافیای تاریخی، همچنان بیهوده به نظر آید.

در زمینه‌ی نوگرایی در مبانی علمی، جغرافیدانان کنونی نگاهی نو داشته‌اند و در آن میان، با دستاوردهای علمی و صنعتی جدید پیوند برقرار کرده و از آن برای طراحی رشته‌های آموزشی و ایجاد زمینه‌های پژوهشی بهره برده‌اند. در واپسین گفتار این مقاله، چند

نمونه از دانش‌های جدید که می‌تواند به کار تاریخ‌پژوهان آید، بررسی و معرفی شده است.

برخی پژوهشگران، در دنیای کنونی که رو به «مدرنیته» دارد، جغرافیای تاریخی را از مهم‌ترین دانش‌ها برشمرده‌اند.[۳۴] در نظر این گروه، سختی‌های پیشروی دنیای جدید، در رویارویی سنت و مدرنیته و جهانی‌سازی، از طریق آگاهی‌های جغرافیای تاریخی به دست می‌آید، و از این راه است که می‌توان برای آن، راهکارهایی نو اندیشید. همچنین می‌توان با تبیین و شناخت مکان‌ها از دیدگاه همه‌جانبه‌ی جغرافیای تاریخی، نظام‌ها و ساختارهای نوین جهانی را بر قلمروهای فرهنگی و اجتماعی پایه ریخت. از این منظر، هر گونه تصمیم‌گیری در سطح محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی،[۳۵] بدون در نظر داشتن پیشینه‌ی جغرافیای تاریخی هر کدام از این سطح‌ها، زیان‌بار خواهد بود.

در ادامه، تنها به چند نمونه از مباحث مطرح‌شده در بررسی‌های میان‌رشته‌ای جغرافیای تاریخی اشاره می‌شود. در بررسی چنین موضوعاتی، پیش از هر چیز، طرح و ارائه‌ی دسته‌بندی زیرمجموعه‌های مرتبط با جغرافیای تاریخی، برای به دست دادن نیازهای آموزشی و پژوهشی در این حوزه، ضروری می‌نماید. در این میان، بایسته است که از منظر جغرافیای انسانی، به پیوندگاه‌های این دانش با تاریخ، توجه شود.

مکان‌پژوهی تاریخی از منظر جغرافیای تاریخی

بی‌تردید، مهم‌ترین موضوعی که در جغرافیای تاریخی ایران بدان توجه

---

۳۴. برای نمونه به مبحث جغرافیای تاریخی مدرنیته (Historical Geography of Modernity) در این پژوهش ر.ک:

Brian Graham and Catherine Nash ۲۰۰۰. *Modern Historical Geographies.* London :Longman .p .۱۳-۴۰.

۳۵. توجه به جغرافیای تاریخی در عرصه‌ی جهانی شدن، مبتنی بر دانش میان‌رشته‌ای بر پایه‌ی تاریخ و جغرافیا است که «جغرافیای تاریخی جهانی شدن» (Historical Geographies of Globalization) را از آن مراد می‌کنند. بر همین اساس جغرافیای تاریخی در پیوند با این شیوه‌ی نو که پیشروی جهانیان است، می‌کوشد تا برخی از رویدادها را در سطح جهانی آن بررسی کند. از آن میان است جغرافیای تاریخی ادیان جهانی مانند اسلام و مسیحیت، جغرافیای تاریخی امپراتوری‌های جهانی، جغرافیای تاریخی استعماری و سرمایه‌داری و... برای آگاهی بیشتر، ر.ک: (Ibid, pp. ۱۰۰-۱۹۲).

شده، پژوهش درباره‌ی مکان‌ها به منزله‌ی استقرارگاه‌های انسانی است.

در ایران، تاریخ‌پژوهان، بیشتر به انواع آبادی‌ها در دسته‌های خُرد و کلان، مانند دِه، روستا، شهر، شهرستان، استان و مناطق جغرافیایی با گستره‌ای پهناور، نظر داشتند. در این مقوله، جغرافیای تاریخی، با تکیه بر تاریخ‌نوشته‌های محلی، در بررسی طبیعت و اقلیم، اقتصاد، جامعه، فرهنگ، یادمان‌ها، مشاهیر، اقوام، راه‌شناسی تاریخی و... و در هر موضوع، از دیدگاه‌ها و بیان جزئیات، بیش و کم مورد توجه محققان بوده است.

دو دسته از محققان از نظر وابستگی قومی و منطقه‌ای به این موضوع پرداخته‌اند: نخست کسانی که زاده یا پرورده‌ی منطقه‌ای هستند که درباره‌ی آن پژوهش می‌کنند، پس می‌توانند آگاهی‌های قابل توجهی درباره‌ی زادبوم خود داشته باشند، با این حال، بیم آن می‌رود که درباره‌ی آن زادبوم، نگاه یک‌جانبه‌ای داشته باشند.

دوم کسانی که بدون وابستگی نَسَبی درباره‌ی مکانی، دست به پژوهش می‌زنند. اینان اگرچه ممکن است بی«تعصب و تَزَیدی» در این‌باره پژوهش کنند، بیم آن می‌رود که به دلیل بیگانگی با آن، آگاهی‌های کافی در این خصوص نداشته باشند.

جغرافیای تاریخی شهر و روستا، چنان‌که پیداست، بیشترین حجم تحقیقات را به خود اختصاص داده است. پیشینه‌ی تاریخ‌نوشته‌های محلی نیز گواهی می‌دهد که بخش قابل توجهی از منابع تاریخی و جغرافیای تاریخی در ایران، با عنوان «تاریخ محلی» تدوین یافته است. گذشته از اینکه شمار منابع تاریخ محلی در ایران، قابل توجه است و همین امر اهمیت موضوع را در نگاه مورخان و جغرافی‌دانان گذشته نشان می‌دهد، پژوهش‌های بسیاری با رویکرد جغرافیای تاریخی به سامان رسیده است. بررسی پژوهش‌های انجام‌شده، از مهم‌ترین عرصه‌هایی است که از وَرای آن می‌توان کاستی‌های روش‌شناسانه را در پژوهش‌هایی که جنبه‌ی غالب آنها جغرافیای تاریخی است، به ارزیابی و سنجش کشید. در این‌باره،

پژوهش های انجام شده درباره‌ی أعلام جغرافیایی (نام‌مکان ها جای‌نام ها)، در دایرةالمعارف‌ها نیز می‌توانند زمینه‌های پژوهشی و نگاه بیش‌وکم همه‌جانبه را نشان دهد.[36] برای اینکه شهرپژوهی و دِه‌پژوهی تاریخی، بتواند بر مبنای پژوهش‌های همه‌جانبه در نظر باشد، بایسته است که مبانی علمی آن، از دیدگاه های گوناگون، بررسی و تدوین شود.[37]

در مکان‌پژوهی تاریخی، باید از جغرافیا، به ویژه جغرافیای طبیعی، برای موضوعاتی همچون شهرپژوهی تاریخی، با شیوه های نوین جغرافیاپژوهی بهره‌مند شد.[38] امروزه در بسیاری مؤسسات پژوهشی، جغرافیای تاریخی برای بررسی چشم‌انداز پیرامونی شهرها و آبادی‌ها به کار می‌رود.[39] بنابراین، در شهرپژوهی تاریخی، با توجه به ویژگی های طبیعی مؤثر در شهرهای ایران و پیشینه‌ی تاریخی این شهرها، بایسته است از کاربرد شیوه های نوین، مانند «جی‌آی‌اس تاریخی» ــ که در ادامه به آن اشاره می‌شود ــ بهره‌برداری شود.

جی‌آی‌اس تاریخی (HGIS)[40] در پژوهش و آموزش

---

[36]. بخش عظیمی از دایرةالمعارف‌ها و دانشنامه‌ها به توضیح مختصر، اما تقریباً جامع درباره‌ی اعلام جغرافیایی اختصاص یافته است. بررسی مدخل‌های دانشنامه‌ای نشان می‌دهد که نگاه میان‌رشته‌ای در جغرافیای تاریخی، بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. اگرچه از منظر جغرافیای طبیعی، پیشینه‌ی نام و نشان و واژه‌شناسی تاریخی اعلام، سیر تاریخی، ساختار اقتصادی، کالبد و عناصر شهری، ساخت اجتماعی، ترکیب قومی، ویژگی‌های جمعیتی، گروه‌بندی‌های اجتماعی، پراکندگی مذهبی نِحله‌ها و فرَق، یادمان ها، مشاهیر و... در هر محل مورد بررسی قرار می‌گیرد، اما نکته‌ی مهم آن است که هر موضوع را پژوهندگان جغرافیا، تاریخ، زبان‌شناسی، مردم‌شناسی و... با در نظر داشتن دیدگاه و آگاهی‌های تاریخی انجام می‌دهند.

[37]. برای آگاهی درباره‌ی پیوند میان جغرافیای تاریخی و شهرنشینی:

Richard Denis ۲۰۰۰. “Historical Geographies of Urbanism”, in, *Modern Historical Geographies*. Edited by Brian Graham and Catherine Nash London :Longman.pp .۲۱۸-۲۴۸.

در این باره تاکنون راهکارهای ارزشمندی ارائه شده و پژوهش‌های ارزنده‌ای در موضوع شهرپژوهی سامان یافته است. برای آگاهی درباره‌ی زمینه‌های پژوهشی در این‌باره، برای نمونه ر.ک: شهرام یوسفی‌فر ۱۳۸۲. *ساختار اقتصاد شهری در ایران دوره‌ی سلجوقیان*، پایان‌نامه‌ی دوره‌ی دکتری رشته‌ی تاریخ، دانشگاه شهید بهشتی. همچنین برای آگاهی درباره‌ی مبانی علمی در جغرافیای تاریخی شهر و ارائه‌ی نمونه‌هایی برای مباحث مورد نظر در این زمینه، ر.ک:

Harold Carter۱۹۸۳ .*An Introduction to Urban Historical Geography*.London & New York :Hodder & Stoughton.

[38] .*An Introduction to Urban Historical Geography*, p.۱-۲.

[39]. *Modern Historical Geographies*, p. ۳.

[40]. Historical Geography Information Systems.

امروزه، رشته‌ی تحصیلی و بستر پژوهشی با کاربری سیستم تحلیل اطلاعات جغرافیایی (GIS)، در مؤسسات پژوهشی و آموزشی گوناگون به کار گرفته می‌شود. جی‌آی‌اس، فرآیند تحلیل اطلاعات جغرافیایی در سیستم رایانه‌ای است که چهار قابلیت اساسی درباره‌ی داده‌های زمین مرجع فراهم می‌آورد، و در چهار مرحله، اطلاعات خام را به نتیجه تبدیل کرده، در اختیار می‌گذارد: ورودی داده‌ها، پردازش داده‌ها، پردازش و تحلیل داده‌ها، خروجی داده‌ها.

جی‌آی‌اس، می‌تواند آگاهی‌های دقیق را درباره‌ی ساختار طبیعی، جنس خاک، ویژگی‌های زمین، اقلیم و شرایط آب و هوایی و... دریافت کند و با تحلیل آنها، نتایج پردازش را در اختیار محققان قرار دهد، و همین روند را درباره‌ی گذشته دنبال کند. همچنین از این طریق، می‌توان آگاهی‌های گوناگون طبیعی، اقتصادی، اجتماعی و... و نیز برداشت‌های میدانیِ به دست آمده از منابع تاریخی و جغرافیایی را به جی‌آی‌اس داد تا پس از پردازش اطلاعات، توانمندی‌های اقتصادی و ساختارهای کشاورزی و زندگی دامداری را بر پایه‌ی آگاهی‌های پردازش‌شده، در اختیار تاریخ‌پژوهان قرار دهد.[41] بنابراین، هر پژوهش تاریخی‌ای که از سیستم پردازش اطلاعات جغرافیایی بهره‌مند شود، مبتنی بر روش تحقیق جی‌آی‌اس تاریخی است.

جی‌آی‌اس تاریخی را راهی برای پی بردن به بنیان مکان‌های جغرافیایی دانسته‌اند. در واقع، این شیوه‌ی علمی، می‌تواند در بررسی‌های تاریخی، به ویژه در جغرافیای تاریخی، کمک شایانی به محققان ارائه کند.[42]

جی‌آی‌اس تاریخی، از دهه‌ی ۱۹۹۰ میلادی/۱۳۷۰شمسی، طراحی و به کار گرفته شد؛ به گونه‌ای که برخی کشورها برای خود، جی‌آی‌اس ملی

---

[41]. در این زمینه حتی برای آگاهی از موقعیت‌های تاریخی می‌توان از سیستم موقعیت‌یاب جهانی (GPS) نیز بهره‌مند شد که در واقع، نسل نوین قطب‌نما است که در گذشته پیش روی محققان جغرافیا و سیاحان و بازرگانان و نظامیان بوده است: Global Position System (GPS).

[42]. Cambridge Studies in Historical Geography ۲۰۰۸. *Historical GIS, Technologies, Methodologies and Scholarship*, London : Cambridge University Press, p .۱۰-۱۱.

اهمیت این موضوع برخی را بر آن داشته تا سایت تخصصی آموزش جی‌آی‌اس در تحقیقات تاریخی را راه‌اندازی کنند. برای آگاهی درباره‌ی اطلاعات یکی از این گونه سایت‌ها ر.ک:

http//:hds.essex.ac.uk/g۲gp/gis/

تاریخی ابداع کردند تا از مسیر آن، بتوانند تحقیقات جغرافیای تاریخی را با استفاده از شیوه های نوین، سامان دهند.[43] همچنین تاکنون چند همایش بین‌المللی، درباره‌ی ارائه‌ی راهکارها و شیوه های کاربرد جی‌آی‌اس تاریخی برگزار شده[44] و کتاب‌ها و مقاله‌های پرشماری در این باره انتشار یافته است.[45] با توجه به پیشرفت‌های علمی در این زمینه، باید از این دانش در علوم انسانی استفاده کرد و در بسیاری از پژوهش‌های تاریخی از مشاوره‌ی متخصصان این حوزه، بهره گرفت.

به دلیل ویژگی های طبیعی ایران و گستردگی گونه های مختلف در شرایط و مواضع جغرافیایی و آگاهی های انبوهی که در منابع تاریخی و جغرافیایی ایران وجود دارد، توجه تاریخ‌پژوهان به این شیوه‌ی پژوهشی، می‌تواند بسیاری از موانع پژوهشی را در رشته‌ی تاریخ برطرف سازد.

جغرافیای زبانی و زبان‌شناسی تاریخی

امروزه نیاز چشمگیر برای اینکه از ورای واژه‌شناسی تاریخی،[46] اعلام جغرافیایی و اجتماعی (نام‌مکان ها / جای‌نام ها،[47] کسان، اقوام، گروه ها و...)[48] و نیز بررسی تاریخ زبان ها، گویش ها و

---

[43]. از آن میان در انگلیس با نام: Great Britain Historical GIS و در آمریکا با نام: National Historical GIS. برای آگاهی بیشتر در این‌باره ر.ک: http//: www.hgis.org.uk/what_is. htm

[44]. از آن میان است همایش جی‌آی‌اس در علوم انسانی و اجتماعی با این مشخصات:
GIS in The Humanities and Social Sciences, October ۷-۹, ۲۰۰۹ .Academia Sinca Taipei, Taiwan.

[45]. برای آگاهی کلی درباره‌ی ۲۰۰ کتاب و مقاله‌ی تخصصی درباره‌ی جی‌آی‌اس تاریخی به سایت بین‌المللی جی‌آی‌اس تاریخی (The Historical GIS Research Network) رجوع کنید:
www.hgis.org.uk/bibliography/htm.

[46]. Historical Etymology.

[47]. اهمیت بررسی زبان‌شناختی جای‌نام ها تا بدانجا است که برخی از پژوهشگران، نام های جغرافیایی را «تاریخ زنده» خوانده‌اند. عبدالرسول خیراندیش ۱۳۸۲. «نام های جغرافیایی به مثابه‌ی بخشی از میراث فرهنگی»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، سال هفتم، شماره‌ی ۷۴، آذرماه، ص ۳- ٤. این موضوع هم می‌تواند نشان‌دهنده‌ی اهمیت آنها در میراث‌داری تاریخ محلی، منطقه‌ای، ملی، فراملی و بین‌المللی و هم فراروی آینده‌ی مکان های جغرافیایی در نقش جغرافیایی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی‌شان باشد.

[48]. نگارنده در دو مقاله، نگاهی به واژه‌شناسی تاریخی جای‌نام ها در دو دسته‌ی «شهر» و «دِه و روستا»، داشته است؛ برای آگاهی بیشتر، ن.ک: حسن باستانی‌راد

لهجه‌ها در قلمروهای جغرافیایی، قومی و فرهنگی، بتوان سیر تحولات تاریخی را بررسی کرد، وجود دارد. با اینکه جغرافیای لغوی در ایران پیشینه‌ای کهن دارد، تا کنون، چنان که باید، به ویژه از منظر زبان‌شناسی تاریخی، به این حوزه‌ی علمی توجه نشده است.[۴۹] درست است که هنوز پیوند بایسته‌ای میان دانش زبان‌شناسی، به ویژه زبان‌شناسی تاریخی،[۵۰] با پژوهش و آموزش در تاریخ ایران صورت نگرفته است، اما توجه به این حلقه‌ی مفقوده، می‌تواند به بسیاری از پرسش‌های تاریخی پاسخ دهد. برخی بر آنند که اصولاً زبان‌شناسی تاریخی را باید از منظر علم تاریخ بررسی کرد.[۵۱] گذشته از اینکه از دیدگاه زبان‌شناسی و دستاوردهای زبان‌شناسانه در زمینه‌ی ریشه‌شناسی تاریخی زبان، و از آن میان، اعلام تاریخی و جغرافیایی، می‌توان روابط اجتماعی را نیز دریافت، بی‌تردید اگر این دانش، در پیوند با جغرافیای تاریخی در شناخت جزئیات فرهنگی گروه‌ها و اقوام در قلمروهای جغرافیایی به کار گرفته شود، می‌تواند به بسیاری از پرسش‌های مطرح در حوزه‌ی پیشینه‌ی اقوام، مکان‌ها، رویدادها و اثرگذاری‌ها و اثرپذیری‌های فرهنگی و اجتماعی پاسخ گوید.

جغرافیای قومی ـ اجتماعی و مردم‌شناسی تاریخی

بدان‌گونه که اشاره شد، بخش قابل توجهی از منابع جغرافیایی، بر آگاهی‌های قوم‌شناسی تاریخی متکی است. از آنجا که در پژوهش‌های کنونی مردم‌شناسی، شناخت فرهنگ و فولکلور قومی، برپایه‌ی مکان‌ها انجام می‌گیرد، این پرسش پیش می‌آید که در تحقیقات تاریخی، به ویژه از منظر جغرافیای تاریخی، پژوهشگران حوزه‌ی تاریخ، تا چه اندازه از دانش مردم‌شناسی بهره می‌گیرند؟ پیوند میان مردم‌شناسی

۱۳۸۸. «واژه‌شناسی تاریخی شهر در ایران»، *فرهنگ*، سال بیست و دوم، شماره‌ی ۷۲، زمستان، صص۱۹ـ۵۶؛ حسن باستانی‌راد ۱۳۸۷. «واژه‌شناسی تاریخی دِه و روستا در ایران»، *تاریخ ایران*، شماره‌ی ۵۹/۵، زمستان، صص۶۵ـ۸۸.

[۴۹]. برای آگاهی کلی درباره‌ی زبان‌شناسی تاریخی و مقاله‌ای درباره‌ی ارتباط تاریخ و زبان ر.ک: آنتونی آرلاتو ۱۳۷۳. درآمدی بر *زبان‌شناسی تاریخی*، ترجمه‌ی یحیی مدرسی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، صص ۳۰۸-۳۲۶.

[۵۰]. Historical Linguistics

[۵۱]. درآمدی بر *زبان‌شناسی تاریخی*، ص ۳۰۸.

و تاریخ،[٥٢] خود می‌تواند دانش مردم‌شناسی تاریخی[٥٣] را پدید آورد. در این خصوص، دو واحد از درس‌های اختیاری رشته‌ی تاریخ در مقطع کارشناسی به قوم‌شناسی تاریخی و مردم‌شناسی تاریخی ایران اختصاص دارد، اما معمولاً ارائه نمی‌شود، اگر هم ارائه شود، از مبانی علمی مردم‌شناسی و نگاه جغرافیایی به اقوام در سیر تاریخ، بسیار فاصله دارد و کمتر اتفاق می‌افتد که از متخصصان این حوزه کمک گرفته شود.

توسعه‌ی آموزشی و پژوهشی جغرافیای تاریخی در جهان

امروزه در دانشگاه ها و مؤسسات علمی برخی کشورها، نه تنها جغرافیای تاریخی به رشته‌ای تحصیلی بدل شده، بلکه مردم‌شناسی تاریخی، زبان‌شناسی تاریخی و جی‌آی‌اس تاریخی (HGIS)، یا رشته‌های تحصیلی در سطح کارشناسی ارشد و دکتری است یا مؤسساتی با این نام و نشان، متولی این حوزه های علمی‌اند. با توجه به توانمندی‌های تاریخی و جغرافیایی ایران در عرصه های گوناگون آموزش و پژوهش در جغرافیای تاریخی و پیشرفت های علمی در این دانش، امروزه چندان که باید، در گروه های آموزشی و پژوهش‌های تاریخی، بهره‌مندی از شیوه های نوین آن حاصل نمی‌شود. مجله‌ی بین‌المللی *جغرافیای تاریخی*، سی و ششمین سال انتشار خود را سپری می‌کند[٥٤] و از طراحان اصلی نظریات جدید در جغرافیای تاریخی است، اما پژوهشگران ایرانی با آنکه سرزمینشان جزو پیشگامان این عرصه‌ی علمی و دربردارنده‌ی گنجینه‌ی عظیمی از آن است، در فهرست نویسندگان مقالات این‌گونه نشریات جایی ندارند. همایش بین‌المللی جغرافیای تاریخی، هر ساله در دانشگاه های گوناگون برگزار می‌شود

[٥٢]. در این باره، ایوانس پریچارد، استاد مردم‌شناسی اجتماعی دانشگاه آکسفورد، مقاله‌ای مفصل در کتاب *جُستارهایی در مردم‌شناسی اجتماعی* با عنوان *Anthropology and History* نوشته است که از دیدگاه مردم‌شناسی به تبیین پیوند مردم‌شناسی و تاریخ و اینکه مورخان چگونه می‌توانند از مردم‌شناسی و قوم‌شناسی کمک بگیرند و همچنین چرا باید مردم‌شناسان و انسان‌شناسان از دانش تاریخ بهره‌مند باشند، راهکارهایی با ماهیت فلسفی ارائه کرده است. برای آگاهی از این بحث ←

← E.E.Evans -Prichard ١٩٦٢. *Essays In Social Anthropolog.* London: Faber and Faber Limited. P. ٤٦-٦٥.

[٥٣]. HistoricalAnthropology.

[٥٤]. *Journal of Historical Geography*, vol ١ ISSU ١ :(January ١٩٧٥ -volume ٣٦) ISSU :January ٢٠١٠. http//:www.historical-geography.net.

که اندیشمندان این حوزه، جدیدترین شیوه های آموزش و پژوهش در جغرافیای تاریخی را به دست می‌دهند.[55] لازم است برای نهادینه کردن این دانش و توجه بیشتر به آن در ایران و هم برای ارائه‌ی راهکارهای نوین پژوهشی، راهکارهایی نو در پیش گرفته شود و پژوهشگران در حوزه های تخصصی، به چنین شیوه‌هایی رهنمون شوند.

نتیجه‌گیری

جغرافیای تاریخی، نیازمند نوگرایی در زمینه های میان‌رشته‌ای است. در ارائه‌ی راهکارهای آموزشی و پژوهشی در این حوزه، پیش از هر چیز بایسته است که در گروه‌های آموزشی تاریخ در دانشگاه ها، به جغرافیای تاریخی توجه شود. در این باره، نه تنها برقراری درس‌های تخصصی ضروری می‌نماید، بلکه بایسته است که رشته‌ی جغرافیای تاریخی به عنوان پیوندگاه تاریخ و جغرافیا تأسیس شود. این رشته، می‌تواند به زمینه های پژوهشی و آموزشی گوناگونی بپردازد که شناخت متون جغرافیایی، جغرافیای مردم‌شناسی تاریخی، جغرافیای زبان‌شناسی تاریخی، جغرافیای اقتصاد تاریخی، جغرافیای تاریخی فرهنگ ها، جغرافیای تاریخی ادیان و مذاهب، جغرافیای تاریخی زبان و ادبیات، جی‌آی‌اس تاریخی، شهرپژوهی تاریخی، جغرافیای تاریخ اجتماعی، تاریخ و جغرافیای طبیعی، ژئوپلیتیک تاریخی، جغرافیای دیوانسالاری و... از جمله‌ی آنهاست. در این خصوص، ارائه‌ی شیوه های آموزشی و پژوهشی مبتنی بر جغرافیای تاریخی ایران و اسلام در دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی تحت نظر وزارت علوم، تحقیقات و فنّاوری ضرورت دارد. در همین‌جا، برگزاری کارگاه های آموزشی برای استادان و دانشجویان مقطع دکتری و همایش‌های ملی در زمینه های یادشده پیشنهاد می‌شود. بایسته است که از این راه، آسیب‌ها و موانع پژوهشی و آموزشی موجود بررسی شود. راهکارهای پژوهشی و آموزشی نوین و ابزار پژوهشی و آموزشی مبتنی بر نیازهای ملی، بازشناسی و معرفی شود،

---

۵۵. مهم‌ترین این همایش‌ها، با نام اختصاری ICHG (کنفرانس بین‌المللی جغرافیای تاریخی) هر ساله برگزار می شود که چهاردهمین دوره‌ی آن در سال ۲۰۰۹ در دانشگاه کیوتو ژاپن برگزار شد.

"١٤th International Conference of Historical Geographers ٢٣-٢٧ August ٢٠٠٩, Kyoto, Japan". http//:www.bun.kyoto-u.ac.jp/ichg/٢ndCircular/second_circular_pdf.pdf.

تا از این راه، بسترهای لازم برای نوگرایی در این حوزه‌ی علمی فراهم آید.

از آنجا که پژوهش‌های بسیاری در حوزه‌ی جغرافیای تاریخی انجام می‌شود بی‌آنکه زمینه‌ها و راهکارهای نوین تحقیقی در آنها مورد توجه باشد، لازم است زیر نظر گروه‌های علمی ـ آموزشی تاریخ، چارچوب‌های نظری و عملیِ این حوزه، طرح‌ریزی و اعمال شود و از این راه، نظارت کاربردی بر تحقیقات محققان به انجام رسد. پیش از هر چیز، بهره‌مندی از تجربیات پژوهشگران حوزه‌ی جغرافیای تاریخی که عموماً استادان پیشکسوت تاریخ هستند، ضروری به نظر می‌رسد. از این رهگذر، می‌توان به موانع موجود و نیازمندی‌های پیشروی محققان در نوگرایی برای این رشته‌ی علمی پی برد.

منابع

قرآن کریم.

آرلاتو، آنتونی ۱۳۷۳. درآمدی بر *زبان‌شناسی تاریخی*، ترجمه‌ی یحیی مدرسی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

باستانی‌راد، حسن ۱۳۸۸. «واژه‌شناسی تاریخی شهر در ایران»، *فرهنگ*، سال بیست و دوم، شماره‌ی ۷۲، زمستان، صص۱۹ـ۵٦.

باستانی‌راد، حسن ۱۳۸۷. «واژه‌شناسی تاریخی دِه و روستا در ایران»، *تاریخ ایران*، شماره‌ی ٥۹/٥، زمستان، صص٦٥ـ۸۸.

بیک‌محمدی، حسن ۱۳۷۷. *مقدمه‌ای بر جغرافیای تاریخی ایران*، اصفهان: دانشگاه اصفهان.

خیراندیش، عبدالرسول ۱۳۸۲. «نام‌های جغرافیایی به مثابه‌ی بخشی از میراث فرهنگی»، کتاب ماه *تاریخ و جغرافیا*، سال هفتم، شماره‌ی ۷٤، آذرماه، صص ۳-٤.

شکوئی، حسین ۱۳٦٤. *جغرافیای کاربردی و مکتب‌های جغرافیایی*، مشهد: آستان قدس رضوی.

شهرستان‌های ایرانشهر ۱۳۸۸. با آوانویسی و ترجمه‌ی متن از تورج دریایی، ترجمه‌ی فارسی شهرام جلیلیان، تهران: توس.

صفوی، سید یحیی ۱۳۷۸ـ۱۳۸۱. *مقدمه‌ای بر جغرافیای نظامی ایران*، ٥ جلد، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

عزتی، عزت‌الله ۱۳۷۱. *ژئوپلیتیک*، تهران: سمت.

علایی طالقانی، محمود ۱۳۸۰. *ژئومورفولوژی ایران*، تهران: قومس.

فراستی، علی ۱۳۷۸. *عوامل و اندیشه‌ها در ژئوپلیتیک*، تهران: سمت.

فَرنَبغ‌دادگی ۱۳۸٥. *بُندَهش*، به کوشش مهرداد بهار، تهران: توس.

فرید، یدالله ۱۳۷۹. *شناخت‌شناسی و مبانی جغرافیای انسانی*، اهر: دانشگاه آزاد اسلامی.

قرچانلو، حسین ۱۳۸۰. *جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی (۱)*، تهران: سمت.

کراچکوفسکی، ایگناتی یولیانوویچ ۱۳۷۹. *تاریخ‌نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلامی*، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی.

مجموعه‌ی مقالات همایش بین‌المللی رویکرد فرهنگی به جغرافیا: جغرافیا در بستر گفت وگوی تمدن ها ۱۳۸۱. به کوشش محمد حسین پاپلی یزدی، مشهد: دانشگاه فردوسی.

مویر، ریچارد ۱۳۸۹. *درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی*، ترجمه‌ی دره میرحیدر، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

مینوی خرد ۱۳۸۵. به کوشش احمد تفضلی، تهران: توس.

یگانه، حسن ۱۳۸۲. «معرفی کتاب جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی»، *کتاب ماه و جغرافیا*، سال هفتم، شماره‌ی ۷۴، آذرماه، صص ۵۸ـ۶۱.

یوسفی فر، شهرام ۱۳۸۲. *ساختار اقتصاد شهری در ایران دوره‌ی سلجوقیان*، پایان‌نامه‌ی دوره‌ی دکتری رشته‌ی تاریخ، دانشگاه شهید بهشتی.

Cambridge Studies in Historical Geography ۲۰۰۸. *Historical GIS (Technologies, Methodologies and Scholarship)*, London :Cambridge University Press.

Carter, Harold ۱۹۸۳. *An Introduction to Urban Historical Geography*. London & New York :Hodder & Stoughton.

Denis, Richard ۲۰۰۰. "Historical Geographies of Urbanism", in, *Modern Historical Geographies*.Edited by Brian Graham and Catherine Nash London :Longman.p .۲۱۸-۲٤۸

GIS in The Humanities and Social Sciences, October ۷-۹, ۲۰۰۹. Academia Sinca Taipei, Taiwan.

Graham, Brian and Catherine Nash ۲۰۰۰. *Modern Historical Geographies*. London :Longman .

Kucera, Zdenek ۲۰۰۸. "Historical Geography Between Geography and Historiography", in, *Klaudyan :Internet Journal of Historical Geography and Environmental History* .Volume ٥, no ۱, p .٥-۱۳. (http//:www.klaudyan.cz)

Prichard, E .E .Evans ۱۹٦۲. *Essays In Social Anthropology* .London :Faber and Faber Limited.

"۱٤th International Conference of Historical Geographers ۲۳-۲۷ August ۲۰۰۹, Kyoto, Japan".

http//:www.bun.kyoto-u.ac.jp/ichg/۲ndCircular/second_circular_pdf.pdf

http//:hds.essex.ac.uk/g۲gp/gis/

http//:www.hgis.org.uk/bibliography./htm

http//:www.hgis.org.uk/what_is.htm

http//:www.historical-geography.net/ *Journal of Historical Geography*.